بررسی رابطهٔ سبکهای دلبستگی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تهران

دکتر مجید قدمی[۱]

چکیده

هدف از این پژوهش تعیین رابطهٔ سبکهای دلبستگی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر دورهٔ متوسطه شهر تهران بوده است. حجم نمونه براساس جدول مورگان، ۳۰۰ نفر بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه سبکهای دلبستگی که دارای ۲۱ سؤال پنج گزینه ای در سه سبک ایمن، اجتنابی و دوسوگرا بود استفاده شد. به علاوه میانگین نمرات دانش‌آموزان در یک سال تحصیلی به عنوان شاخص عملکرد تحصیلی مورد استفاده قرار گرفت. این پژوهش غیرآزمایشی از نوع همبستگی بود. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون رگرسیون چند متغیره) استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد از روی نمرات سبکهای دلبستگی می‌توان عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کرد. قدرت پیش‌بینی سبک دلبستگی ایمن بیشتر از سبک اجتنابی و سبک دوسوگراست. میان سبک دلبستگی ایمن با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و میان سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دوسوگرا رابطه منفی و معنادار وجود دارد. سبک دلبستگی ایمن عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را تسهیل می‌کند و به مثابه سپری در برابر ناملایمات، اُفت و شکست تحصیلی و وقایع غیر منتظره قرار می‌گیرد.

کلید واژگان: سبک دلبستگی، سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی دوسوگرا، عملکرد تحصیلی

تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۱ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۶

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش drghadami50@gmail.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.7.6]

مقدمه

بالبی دلبستگی کودک – مادر و همسالان را واجد نقشی ماندگار و تأثیری پایدار دانست و مدعی شد که رفتارهای دلبستگی، تعامل های انسانی را از «گهواره تا گور» سازمان دهی می‌کنند. دلبستگی، به منزلهٔ یک پیوند عاطفی که از ابتدای تولد میان کودک – مادر ایجاد می‌شود، نقشی مهم در شکل‌گیری هویت و شخصیت فرد دارد. دلبستگی یک نظام رفتاری است که بالبی برای نخستین بار آن را از کردارشناسی طبیعی وام گرفت و در آن نشان داد که دلبستگی کودک به مادر تنها در جهت برآورده شدن نیازهای تغذیه ای نیست (بکندام[1]، ۲۰۰۴).

بی‌همتایی و بدیع بودن مفهوم دلبستگی در نظام بالبی در عین تکیه کردن بر آزمایشگری، بیان این فرضیه است که نیاز دلبستگی نیز نخستین است. بدین سان بالبی از فروید که برای وی نیازها تنها نیازهای بدنی هستند، فاصله می گیرد (منصور و دادستان، ۱۳۷۶). اگرچه نظریه بالبی در اصل دربارهٔ پیوند عاطفی میان کودک و مادر یا جانشین وی ارائه شد، ولی پژوهشهای انجام شده سیمپسون[2] و همکاران (۱۹۹۲) و هازان و شیور[3] (۱۹۸۷)، دلایلی را برای ارتباط میان اصول دلبستگی کودک با روابط نزدیک بزرگسالان ارائه دادند. این دلایل بر تحلیل کنشهای رابطه دلبستگی متمرکزند. پیوند دلبستگی به طور خاص، شامل «حفظ نزدیکی» ، «پایگاه امن» و «اعتراض جدایی» است. بر اساس نظر بسیاری از پژوهشگران، این ویژگیها قابل تعمیم به بسیاری از روابط بزرگسالان با خویشان و دوستان صمیمی است (فینی[4]، ۱۹۹۹).

نظریه دلبستگی بزرگسال (شیور و برنان[5]، ۱۹۹۲) برای تبیین تفاوتهای فردی در شناختها، احساسات و رفتارهایی تدوین شده است که در چارچوب روابط صمیمی بزرگسال رخ می دهند. بر اساس این نظریه، تفاوتهای فردی در سبک دلبستگی از تجربه‌های مربوط به روابط صمیمی گذشته، که از روابط دلبستگی کودک مادر آغاز می‌شود، نشأت می گیرند. شیور، کولینز[6] و کلارک[7] (۱۹۹۶) روابط صمیمی بزرگسال را در امتداد سه سبک اصلی دلبستگی یعنی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا طبقه بندی کرده‌اند. بزرگسالان دارای سبک دلبستگی ایمن، روابط صمیمی خود را شاد، دوستانه، قابل اعتماد و برخوردار از احساس همدلی، حمایت و پذیرش توصیف کرده اند؛

1. Bekendam, C.
2. Simpson, J. A.
3. Hazan, C. & Shaver, P.R.
4. Feeney, J.A.
5. Brennan, K.A.
6. Collins, N.
7. Clark, C. L.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.7.6]

ویژگیهایی که سبب تداوم طولانی‌تر رابطه در مقایسه با سبکهای اجتنابی و دوسوگرا می‌شوند. ویژگی برجسته بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اجتنابی، ترس از صمیمیت و نگرانی از روابط دوستانه بود؛ در حالی که دوسوگراها با دل مشغولی وسواسی نسبت به صمیمیت و تلاش برای «یکی شدن» با دیگری مشخص شدند (شیور و برنان، ۱۹۹۲).

پژوهشهای متعدد نشان داده اند که سبک دلبستگی می‌تواند فرآیندهای روانشناختی مرتبط با روابط دلبستگی، رفتارهای مشاهده شده در روابط صمیمی، و پیامدهای ذهنی (مثل احساس رضایت) و عینی (مثل جدایی و طلاق) چنین روابطی را پیش بینی کند (میکولینسر[1] و شیور، ۲۰۰۳).

اندیشه و رفتار سبکهای دلبستگی، تعیین کنندهٔ قواعد عاطفی و شناختی و راهبردهایی هستند که واکنشهای هیجانی را در افراد و روابط میان- شخصی هدایت می کنند. افراد ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای نظم دهی و پردازش اطلاعات هیجانی، راهبردهای متفاوتی به کار می برند (شیور و همکاران، ۱۹۹۶). آنهایی که سبک دلبستگی ایمن دارند برای نظم دهی به هیجانها از راهبردهایی سود می جویند که تنیدگی را به حداقل می‌رساند و هیجانهای مثبت را فعال می سازد. همچنین آنان از عملکرد تحصیلی بالا برخوردارند (میکولیسر و فلورین[2]، ۲۰۰۱).

نتایج پژوهش بشارت، شریفی و ایروانی (۱۳۸۰) بیانگر آن است که دانش‌آموزانی که سبک دلبستگی نا ایمن دارند، بیشتر از آنهایی که سبک ایمن دارند از مکانیسمهای دفاعی رشد نایافته و نوروتیک استفاده می کنند و آنهایی که سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا دارند، بیش از دانش‌آموزانی که سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی دارند از مکانیسمهای دفاعی رشد نایافته و نوروتیک استفاده می کنند. کسکین[3] (۲۰۰۸) دریافت که میان سبک دلبستگی ایمن و مشکلات ارتباطی، رابطهٔ منفی و میان سبک دلبستگی ناایمن، مشکلات ارتباطی و نگرش منفی به والدین رابطهٔ مثبت وجود دارد.

شارما[4] (۲۰۰۷) معتقد است افراد دلبستهٔ ناایمن در مقایسه با افراد دلبستهٔ ایمن باورهای ارتباطی غیر منطقی تر دارند. تحقیق فینی (۲۰۰۵) نیز مؤید آن است که دلبستگی نا ایمن با کنترل شدید عاطفی، عواطف مثبت کمتر و هیجانات منفی بیشتر همراه است. یک شخص ایمن که در یک رابطهٔ منفی خاص درگیر شده ممکن است در نتیجهٔ این تجربه، ناایمن شود؛ در عین حال هنگامی که

1. Mikulincer, M.
2. Florian, V.
3. Keskin
4. Sharma, R.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.7.6]

فردی به فهم و شناخت جدیدی دربارهٔ تجارب گذشته اش، به خصوص تجاربی که مرتبط با دلبستگیهای او هستند دست می‌یابد، ممکن است الگوی مؤثر و درونی او تغییر کند (فینی، ۲۰۰۵).

بالبی معتقد است که هیجانها قویاً با دلبستگی در ارتباط اند. او می گوید: بسیاری از تنشهای هیجانی طی شکل دهی، نگهداری، قطع و بازسازی ارتباطات دلبستگی نقش بازی می کنند.

نتایج پژوهش پرات[1] (۲۰۰۸) حاکی از آن است که سبک دلبستگی ایمن بهترین پیش بینی کننده عملکرد تحصیلی است و میان سبک دلبستگی ایمن و عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و دانش‌آموزان از تعاملی کارآمدتر در مدرسه و گروه برخوردارند.

هازان و شیور (۱۹۸۷) عملکرد تحصیلی را توانایی آموخته شده یا اکتسابی حاصل از دروس ارائه شده یا توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد از موضوعهای آموزشگاهی می‌دانند که با آزمونهای استاندارد شده، اندازه گیری می شوند (پاکدامن، ۱۳۸۰). عملکرد تحصیلی از این جهت اهمیت دارد که پیشرفت آموزشگاهی در یادگیری اثر می گذارد و یادگیری آموزشگاهی عملکرد تحصیلی را تحت تأثیر قرار می دهد.

هانتر، دیویس و تانستال[2] (۲۰۰۶) در مطالعه خود به این نتایج دست یافتند دانش‌آموزانی که از دلبستگی ایمن برخوردار بودند، سبکهای تنظیم هیجانهای سازش یافته داشتند و از موفقیت تحصیلی بالا و ارتباطات میان- فردی همراه با همدلی برخوردار بودند و آشفتگی فردی ناچیزی در آنها دیده می شد. در مقابل دانش‌آموزانی که از دلبستگی ناایمن برخوردار بودند از سبکهای تنظیم هیجانی سازش نایافته بهره می جستند، دچار اُفت تحصیلی، آشفتگی ذهنی، ناتوانی هیجانی و کم بهرگی در همدلی بودند.

کفت سیوس و یداو[3] (۲۰۰۳) در مطالعه دیگری نشان دادند که افراد دچار دلبستگی «ناایمن» (اضطرابی – اجتنابی، اضطرابی- دوسوگرا) در مقایسه با افرادی که دارای «دلبستگی ایمن» بودند در هوش هیجانی و عملکرد تحصیلی نمرات کمتری کسب کردند.

براساس شواهد موجود این پژوهش درپی پاسخ گویی به این پرسش بوده است که: آیا بین سبکهای دلبستگی (سبک ایمن، سبک اجتنابی و سبک دوسوگرا) با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟

1. Pratt, T. A.
2. Hunter, M.J., Davis, P.J. & Tunstall, J.
3. Kafetsios, K. & Yeadou, J.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.7.6]

فرضیه پژوهش

میان سبکهای دلبستگی (سبک ایمن، اجتنابی، سبک دوسوگرا) با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

متغیرها

متغیر پیش بین: سبکهای دلبستگی سه سبک دارند: سبک ایمن، سبک اجتنابی و سبک دوسوگرا

متغیر ملاک: عملکرد تحصیلی

متغیر کنترل: دانش‌آموزان پسر، دوره متوسطه، شهر تهران

متغیرهای مزاحم: سن، هوش، وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی

روش شناسی

جامعه مورد مطالعه: همهٔ دانش‌آموزان پسر دورهٔ متوسطه شهر تهران در سال ۱۳۹۲ بوده است.

حجم نمونه: طبق جدول مورگان حجم نمونه ۳۰۰ نفر تعیین شده است.

شیوه نمونه گیری: در این پژوهش از روش نمونه گیری چند مرحله ای استفاده شده است. ابتدا شهر تهران از لحاظ جغرافیایی به ۵ حوزه تقسیم شد (شمال، جنوب، مرکز، شرق، غرب). از هر حوزه جغرافیایی یک منطقه آموزشی به صورت تصادفی انتخاب شد. از هر منطقهٔ آموزشی ۲ مدرسه پسرانه به روش تصادفی و از هر مدرسه ۳ کلاس (از هر پایه یک کلاس) به روش تصادفی انتخاب شده است. از هر کلاس هم ۱۰ دانش‌آموز به طور تصادفی انتخاب شده اند.

ابزارهای اندازه گیری

برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامهٔ سبکهای دلبستگی بزرگسالان بهره گیری شده که شامل دو قسمت است. در قسمت اول سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به کار رفته که دارای ۲۱ سوال در پنج گزینه (هیچ=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) از هم متمایز شده‌اند.

در قسمت دوم آزمودنی با انتخاب یک گزینه از سه گزینه ای که سه نوع سبک دلبستگی را توصیف می کنند سبک دلبستگی خود را مشخص می کند.

ضریب پایایی پرسشنامه توسط جوادی و اژه‌ای (۱۳۸۳) با بهره گیری از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ محاسبه و پاکدامن (۱۳۸۰) آن را با استفاده از روش بازآزمایی ۰/۸۷ گزارش کرده است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.7.6]

روایی ملاکی همزمان مقیاس دلبستگی بزرگسال با مقایسه نتایج آزمون خود کوپر اسمیت بررسی شد. ضرایب همبستگی میان نمرهٔ کلی آزمودنیها در آزمون حرمت خود عمومی (p=۰/۰۰۲ و r=۰/۶۲)، حرمت خود تحصیل (p=۰/۰۰۲ و r=۰/۶۵)، حرمت خود خانوادگی (p=۰/۰۰۲ و r=۰/۶۴) و حرمت خود اجتماعی (p=۰/۰۰۱ و r=۰/۶۸) بود. این ضرایب برای آزمودنیهای دختر و پسر به تفکیک نیز در سطح α=۰/۰۱ معنادار بود.

عملکرد تحصیلی: عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس میانگین نمرات دانش‌آموزان در یک سال تحصیلی استفاده شد.

برای تعیین ضریب پایایی در این پژوهش ابتدا ۷۰ نفر از دانش‌آموزان به طور تصادفی انتخاب، پرسشنامهٔ دلبستگی روی آنها اجرا و با بهره گیری از روش آلفای کرونباخ ضریب پایایی محاسبه شد که برابر با ۰/۸۱، ۰/۸۹ ، ۰/۸۰ بود و این امر بیانگر همسانی درونی و قابل قبول و رضایت بخش است. برای تعیین روایی محتوایی در این پژوهش پرسشنامه دلبستگی همراه با فرضیه‌های پژوهش در اختیار تعدادی از اساتید که در زمینه موضوع پژوهش از تخصص و تجارب کافی برخوردار بودند قرار گرفت و طبق نظرات آنها اصلاحات لازم صورت گرفت.

روش پژوهش: این پژوهش غیر آزمایشی از نوع همبستگی است زیرا محقق قصد دارد میزان روابط و همبستگی بین متغیرها را بسنجد و سهم هر یک از سبکهای دلبستگی را در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مشخص کند.

روش تحلیل داده‌ها: جهت تحلیل داده ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون رگرسیون چند متغیره) استفاده شد.

تحلیل داده ها

به منظور تبیین و بررسی رابطه سبکهای دلبستگی به عنوان متغیر پیش بین با عملکرد تحصیلی به عنوان متغیر ملاک، داده های حاصل از پژوهش وارد معادله رگرسیون شد که نتیجه آن در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱. شاخصهای تحلیل رگرسیون میان سبکهای دلبستگی و عملکرد تحصیلی

ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	ضریب تعدیل شده	خطای استاندارد
۰/۲۷۴	۰/۷۵	۰/۴۷	۲۱/۱۹

همان طور که در جدول شماره ۱ ملاحظه می شود ۰/۲۷۴ ضریب همبستگی میان سبکهای دلبستگی با عملکرد تحصیلی وجود دارد و به تنهایی ۷/۵ درصد از واریانس عملکرد تحصیلی را تبیین می کند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.7.6]

جدول شماره ۲. خلاصه تحلیل رگرسیون سبکهای دلبستگی با عملکرد تحصیلی

شاخص / منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آزمون F	سطح معناداری
اثر رگرسیون	۹۵۴۶/۵۵۸	۳	۱۱۹۳/۳۲	۲/۶۵	۰/۰۰۸
اثر باقی مانده	۱۱۷۳۰۰/۸۴۹	۲۹۶			
جمع	۱۲۶۸۴۷/۴۰۷	۲۹۹	۴۴۹/۴۲۹		

همان طور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود سبکهای دلبستگی در تبیین عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان معنادار است ($p<۰/۰۰۵$).

جدول شماره ۳. متغیرهایی که وارد معادله رگرسیون شده اند

شاخص / سبکهای دلبستگی	ضریب		ضریب بتای استاندارد	نسبت t	سطح معنا داری
	B	خطای معیار	Beta		
مقدار ثابت	۷۴/۵۶	۱۳/۹۰	-	۵/۳۶	۰/۰۰۰
سبک دلبستگی ایمن	۲/۰۱۹	۰/۶۲۴	۰/۲۱۱	۳/۲۳۶	۰/۰۰۱
سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۹۰۱	۰/۸۸۵	-۰/۲۸۲	-۳/۰۱۸	۰/۰۰۳
سبک دلبستگی دوسوگرا	-۰/۴۶۷	-۰/۵۰۴	-۰/۲۵۶	-۲/۹۲	۰/۰۰۵

همان طور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می شود میزان بتای جدول تمایزگر این نکته است که ارتباط سبکهای دلبستگی دانش‌آموزان با عملکرد تحصیلی متفاوت است. با توجه به ضریب استاندارد تفکیک رگرسیون (Beta) نتیجه می‌گیریم که میان سبک دلبستگی ایمن با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. میان سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی دوسوگرا با عملکرد تحصیلی رابطهٔ معنادار و منفی وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته های این پژوهش از روی نمرات سبکهای دلبستگی می‌توان عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را پیش بینی کرد. قدرت پیش بینی سبک دلبستگی ایمن بیشتر از سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دوسوگراست. میان سبک دلبستگی ایمن با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنادار و میان سبکهای دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا رابطه منفی و معنادار وجود دارد. سبک دلبستگی ایمن عملکرد تحصیلی را تسهیل می‌کند.

وجود رابطه مثبت و معنادار میان سبک دلبستگی ایمن و موفقیت تحصیلی تأییدی بر نقطه نظرها و نتایج پژوهشهای دیگر در این زمینه است.

براساس نظر بالبی الگوهای دلبستگی در طول زمان و انتقال الگوهای دلبستگی در میان نسلها با الگوهای ذهنی ادامه می یابد. کودکان بر اثر تجربه مکرر تعامل با تصویر دلبستگی باورها و

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.7.6]

انتظاراتی دربارهٔ مراقبان را از نظر دسترسی و پاسخگویی شکل می‌دهند. چنین باورهایی، پاسخهای شناختی، رفتاری و هیجانی آنان را در تعاملات اجتماعی آینده هدایت خواهد کرد. بنابراین نظر روابط دلبستگی الگوی ذهنی، هر گونه روابط دلبستگی آینده فرد را در طول زندگی تحت تأثیر قرار خواهد داد.

جانسون و ویفن[1] (۲۰۰۳) در مطالعه خود به این نتایج دست یافت که براساس سبک دلبستگی ایمن می توان موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان را پیش بینی کرد. کوباک و هازان[2] (۱۹۹۱) نیز در تحقیق خود به تأثیر سبکهای دلبستگی در موفقیت تحصیلی دست یافت. بر اساس نتایج پژوهش کولین[3] (۱۹۹۶) دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی ایمن از موفقیت تحصیلی و بهزیستی روان شناختی بیشتری نسبت به دانش‌آموزانی که دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا هستند، برخوردارند و از مشکلات مقابله‌ای کمتری رنج می برند.

براساس نتایج پژوهش اشمیت، ناچتیـــگال، واتریچ مارتـــون و استراس[4] (۲۰۰۲) دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی ایمن از نظر هیجانی نسبت به دانش‌آموزان ناایمن سازگاری بیشتری دارند.

یافته‌های تحقیق فینی (۱۹۹۹) نشان داد که دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و دو سوگرا درماندگی روان شناختی، اُفت تحصیلی و شکست تحصیلی بیشتری را نسبت به افراد ایمن تجربه می کنند. تحقیقات هانتر و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد که سطوح بالای سبک دلبستگی ناایمن و سطوح پایین حمایت هیجانی همبستگی بالایی با احساسات منفی دارد. تبینی که برای این یافته می‌توان ارائه داد استفاده کردن افراد ناایمن از مکانیسم انکار و واکنشهای افراطی، فقدان اعتماد به خود و دیگران (گریفین و بارتولومیو[5]، ۱۹۹۴؛ به نقل از دهقانی طرازجانی، ۱۳۷۶) است که منجر به کناره گیری آنها از دیگران و از بین بردن فرصتهای یاری طلبی، همدلی و همدردی دیگران می‌شود. همچنین عدم جلب حمایت هیجانی دیگران و استفاده نکردن از راهبردهای مقابله ای سازنده سبب احساس ناتوانی این افراد هنگام مواجهه با اُفت تحصیلی می شود.

دهشیری (۱۳۸۱) نیز دریافت که دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی ایمن از موفقیت تحصیلی بالاتری نسبت به دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا برخوردارند. مطالعات

1. Johnson, S.M. & Whiffen, V.E.
2. Kobak, R.R. & Hazan, C.
3. Collin, N.J.
4. Schmidt, S., Nachtigal, C., Wuethrich-Martone, O. & Strauss, B.
5. Griffin, D.W. & Bartholomew, K.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.7.6]

مربوط به پایداری و ثبات دلبستگی نشان داد که کیفیت دلبستگی پاره ای از دانش‌آموزان به شکل قابل پیش بینی تغییر می‌کند.

بالبی شواهدی را گزارش کرده مبنی بر اینکه حوادث اتفاق افتاده در طول دوران کودکی ممکن است تأثیراتی ژرف بر کیفیت روابط دانش‌آموزان با تصویر دلبستگی وی داشته باشند. هر مرحله تحول با خود امکان سازماندهی مجدد دلبستگی را به همراه می آورد. بنابراین دانش‌آموزانی که سبک دلبستگی ناایمن داشته اند در صورت دستیابی به محیطی حمایت کننده و حساس (از والدین یا معلمان) ممکن است واجد دلبستگی ایمن گردند (کئینگ[1]، ۱۹۹۲). در مقابل برخی از دانش‌آموزانی که دارای الگوی دلبستگی ایمن بوده اند نیز ممکن است ناایمن شوند. این امر به خصوص در مورد دانش‌آموزانی صادق است که والدین آنها تأثیری کمتر در کمک به آنها برای کنار آمدن با نیازها و ضرورتهای مراحل تحول دارند، یا دارای والدینی هستند که به خوبی قادر به دریافت و پاسخگویی به نیازهای آنها هستند، اما توانایی همراهی و پاسخدهی به ضرورتها و نیازهای آنها را در حال «فردیت» و «بلوغ یافتن» یعنی دوره های بعدی تحول ندارند.

موفقیت تحصیلی افرادی که تاریخچه دلبستگی ایمن دارند بیشتر از افرادی است که دارای دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا هستند. موفقیت تحصیلی موجب افزایش دستاوردهای فرد در زندگی از راههای گوناگون می‌شود. افراد با موفقیت تحصیلی بالا به تواناییهای خود اطمینان دارند و با تکالیف دشوار به مثابه چالش برای دستیابی به مهارت رو به رو می شوند و از آنها به مثابه عامل تهدید احتراز نمی کنند. این دیدگاه موجب می‌شود که علایق درونی فزونی یابد و بر فعالیتهای آنها اثر گذارد.

پژوهش هاوزر[2] و همکاران (۱۹۹۸) نشان داد که کیفیت دلبستگی تأثیر میانجیگری بر موفقیت تحصیلی و خودکارآمدی دارد.

چند تبیین احتمالی برای یافته‌های این پژوهش مطرح می شود. افراد ایمن از راهبردهای سازنده بهره می‌گیرند و تمایل آنها به پیگیری یکی از ویژگیهایی است که آنها را در مواجهه درست با موقعیت استرس زا موفق می سازد. از سویی هم، نگرش خوش‌بینانه افراد ایمن به زندگی، مانند سپری در برابر ناملایمات و وقایع غیر منتظره عمل خواهد کرد. یکی از ویژگیهای افراد ایمن، اعتماد به خود و اعتماد به دیگران است. اعتماد به خود به منزلهٔ یکی از مبانی درون روانی فردی که

1. Koeing, H.G.
2. Hauser, S. T.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.7.6]

دارای سبک دلبستگی ایمن است، وی را در مواجهه سازنده با موقعیتهای استرس زا، شکست تحصیلی و اُفت تحصیلی موفق می سازد (بشارت، ۱۳۸۰).

از آنجا که نظریه پردازان دلبستگی تأکید کرده اند که دلبستگی در همهٔ سنین وجود دارد بنابراین لازم است به عنوان سازه‌ای در گسترهٔ حیات مورد مطالعه قرار گیرد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.7.6]

منابع

بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۰). بررسی رابطهٔ سبک های دلبستگی با مشکلات زناشویی در زوجین نابارور. *فصلنامه پزشکی باروری و ناباروری*، ۵، ۲۵-۸.

بشارت، محمد علی؛ شریفی، ماندانا و ایروانی، محمود. (۱۳۸۰). بررسی رابطهٔ سبکهای دلبستگی و مکانیسم های دفاعی. *مجلهٔ روانشناسی*، شماره ۱۹، ۲۷۷-۲۸۹.

پاکدامن، شهلا. (۱۳۸۰). *بررسی رابطه سبک دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوانان*. پایان نامه دکتری. دانشگاه تهران.

حکیم جوادی، منصور و اژه‌ای، جواد. (۱۳۸۳). بررسی رابطهٔ کیفیت دلبستگی و هوش هیجانی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی. *فصلنامه روان شناسی*، سال هشتم شماره ۲، ۱۵۸-۱۷۲.

دهشیری، محمد. (۱۳۸۱). *هنجار گزینی مقیاس هوش هیجانی بار-آن در دانشجویان دانشگاه*. پایان نامه کارشناسی ارشد.

دهقانی طرازجانی، ناهید. (۱۳۷۶). *بررسی کیفیت دلبستگی مادر – کودک و ارتباط آن با رشد مهارت های اجتماعی در کودکان پیش دبستانی شهر تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

منصور، محمود و دادستان، پریرخ. (۱۳۷۶). *روان شناسی ژنتیک ۲ از روان تحلیل گری تا رفتارشناسی*. تهران: انتشارات رشد.

Bekendam, C. (2004). *Attachment and loss: Vol. 2. Separation: Anxiety and anger.* New York: Basic Books.

Collin, N.J. (1996). Working models of attachment: Implications for explanation, emotion and behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, *71*(4), 810-832.

Feeney, J. A. (1999). Adult romantic attachment and couple relationships. In J. Cassidy & P.R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (pp. 355-377). New York: Guilford Press.

Feeney, J. A. (2005). Hurt feelings in couple relationships: Exploring the role of attachment and perceptions of personal injury. *Journal of Social and Personal Relationships*, 12, 253-271.

Feeney, J., & Noller, P. (1991). Attachment style and verbal descriptions of romantic partners. *Journal of Social and Personal Relationships*, 8, 187-215.

Griffin, D.W., & Bartholomew, K. (1994). Models of the self and other: Fundamental dimensions underlying measures of adult attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67, 430-445.

Hauser, S. T., Gerber, E. B., & Allen, J.P. (1998). Ego development and attachment: Converging platforms for understanding close relationships. In P. M. Westerberg, & A. Blasi (Eds.), *Personality development: Theoretical, empirical, and clinical implications of Loevinger's conception of ego development*, (pp. 203-217). New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.

Hazan, C., & Shaver, P.R. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.

Hunter, M.J., Davis, P.J., & Tunstall, J. (2006). The influence of attachment and emotional support in end-stage cancer. *Psycho Oncology*, 15, 431-444.

Johnson, S.M., & Whiffen, V.E. (2003). *Attachment processes in couple and family therapy*. New York: Guilford Press.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.7.6]

Kafetsios, K., & Yeadou, J. (2003). Emotional intelligence and adult attachment (in press).

Keskin, G. (2008). Relationship between mental health, parental attitude and attachment style in adolescence. *Annual Journal of Psychiatry*, *9*(3), 139-147.

Kobak, R. R., & Hazan, C. (1991). Attachment in marriage: Effects of security and accuracy of working models. *Journal of Personality and Social Psychology*, 60, 861-869.

Koeing, H.G. (1995). Religion and older man in prison. *International Journal of Geriatric Psychiatry*, 10, 219-230.

Mikulincer, M., & Florian, V. (2001). Attachment style and affect regulation: Implications for coping with stress and mental health. In G. J. O. Fletcher & M.S. Clark (Eds.), *Blackwell handbook of social psychology: Interpersonal processes*, (pp. 537-557). Oxford: Blackwell.

Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2003). The attachment behavioral system in adulthood: Activation, psychodynamics, and interpersonal processes. In M.P. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology* (Vol. 35, pp. 53-152). San Diego, CA: Academic Press.

Pratt, T. A. (2008). *Relations between adult attachment representations, affect regulation and affect expression in marital relationships.* Unpublished Doctoral Dissertation, The University of Western Ontario.

Schmidt, S., Nachtigal, C., Wuethrich-Martone, O., & Strauss, B. (2002). Attachment and coping with chronic disease. *Journal of Psychosomatic Research*, 53, 763-773.

Sharma, R. (2007). *A task analytic examination of dominance in emotion- focused couples therapy.* Unpublished master's thesis. York University.

Shaver, P.R., & Brennan, K.A. (1992). Attachment styles and the big five personality traits: Their connections with each other and with romantic relationship outcomes. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18, 536-545.

Shaver, P. R., Collins, N., & Clark, C. L. (1996). Attachment styles and immoral working models of self and relationship patterns. In G.J.O. Fletcher & J. Fitness (Eds.), *Knowledge structures in close relationships: A socio psychological approach*, (pp. 25-61). Mahwah, N.J: Erlbaum.

Simpson, J. A., Rholes, W. S., & Nelligan, J. S. (1992). Support seeking and support giving with the couples in an anxiety-provoking situation: The role of attachment styles. *Journal of Personality and Social Psychology*, *61*(3), 434-446.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.7.6]